

داستان نوجوان فلسطینی
که با عملیات‌های مسلحانه
صهیونیست‌ها را گمراه کرد

اولین شلیک

وقتی پسری به نام محمد شحاده اولین اسلحه واقعی زندگی خود را به دست آورد، با آن بازی نکرد، بلکه از دیوار اورشلیم بالا رفت و به اولین سرباز اسرائیلی در نزدیکی باب الصحیره، (یکی از دروازه‌های مهم دیوار مشرف به شمال شهر) شلیک کرد. هم‌رزمش عاطف الکامل در گفتگویی گفته بود: «ما با شحاده در اتاق‌های زیرزمینی زندگی می‌کردیم. یک بار از خواب بیدار شدم و دیدم او روی من و یک نفر دیگر را با پتو پوشانده در حالی که خود داخل پیراهنش می‌دمید تا کمی گرم شود.» تعقیب طولانی مدت وی باعث شرمساری سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل شد و بارها تیم‌های مخفی را پس از انجام عملیات‌های برنامه‌ریزی شده مورد آزمایش قرار داد، اما نتوانستند او را دستگیر یا ترور کنند.

وفاداری به خون شهدا

شحاده در مورد محبوبیت خود در میان این گروه‌ها در آن زمان در گفتگویی گفت: «آنها فرزندان خود را در من می‌بینند و من را به عنوان یک شهید نگاه می‌کنند». وی افزود: «من به مظلومان از گروه‌ها و فرقه‌های مختلف که از ظلم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رنج می‌برند، تعصب دارم. من با هر کسی که از طریق قدرت یا دزدی پول مردم به دنبال جایگاه باشد می‌جنگم و به وفاداری به خون شهدا پایبند می‌مانم.» شحاده درصد بالایی از آرای رای دهندگان را به خود اختصاص داد اما اجازه ورود به مجلس قانون‌گذاری را به وی ندادند. از آن طرف اسرائیلی‌ها تعقیب او را تشدید کردند تا این که که نیروهای ویژه اسرائیل عاطف الکامل دست راست او را که برای معالجه به کلینیک رفته بود دستگیر کردند.

در ۲۴ دسامبر ۲۰۰۷، شحاده طی جلسه‌ای به گفت که توانسته نقض امنیتی مربوط به دستگیری الکامل را شناسایی کند. اما چند روز بعد سرویس اشغالگر محمد عیسی عبدا (۳۰ ساله) که سال‌ها تحت تعقیب نیروهای اسرائیلی و بازوی چپ شحاده بود را دستگیر کرد.

حلقه‌ها در اطراف شحاده فشرده‌تر شد و به نظر می‌رسید که سرویس‌های امنیتی اسرائیل وقتی خانه‌اش را در ۶ مارس ۲۰۰۸ محاصره کردند، به او دست یافته‌اند، زیرا تصور کرده بودند که او داخل خانه‌ای است. خانه او را تخریب کردند اما شحاده موفق شد اطلاعات اسرائیل را گمراه کند و این آخرین اطلاعات غلط بود که او به صهیونیست‌ها منتقل کرد. یک هفته بعد در ۱۲ مارس یک یگان آموزش دیده، خودرویی را که وی به همراه سه تن دیگر از همراهانش در آن تردد می‌کرد، در عرض چهار دقیقه توقیف کردند که به شهادت ابوشحاده و سه تن از یاران ختم شد.

منبع:

• ایلاف، محمد شحاده القائد الأسطوری الذی تفاخر ببارك بقتله، ۱۵ مارس ۲۰۰۸

حامی خانواده شهدا

او در مارس ۲۰۰۶ در انتخابات پارلمانی فلسطین شرکت کرد که به دلیل شرایط آزار و اذیتی که تجربه می‌کرد، عجیب‌ترین مبارزات انتخاباتی یک نامزد در آن انتخابات محسوب می‌شد. شحاده تنها نامزدی بود که در مبارزات انتخاباتی خود به کمک‌های مردمی متکی بود. مردم مرفه و فقیر برای ابراز همدردی با شهید، اعتماد به اعتبار او و رؤیاهای او برای تغییر، کمک‌هایی را به شهید تقدیم می‌کردند. شحاده در بسیاری از اجتماعات با حضور خود به همراه افراد مسلح محافظش، مردم را غافلگیر می‌کرد تا برنامه انتخاباتی خود را در مدت کوتاهی ارائه دهد و به دلایل امنیتی محل را ترک می‌کرد. در آن روزها هوادارانش برای او ستاد انتخاباتی باز کردند، اما او در آنجا حضور نداشت و در دوره‌های بسیار کوتاه از آن بازدید می‌کرد و هوادارانش نوارهای ویدئویی پخش می‌کردند که او در آن صحبت می‌کرد. شحاده در آن انتخابات که توسط جنبش جهاد اسلامی بایکوت شد، نماینده جنبش، حزب و حتی جریان خاصی نبود اما مکرر می‌گفت که دنبال تشکیل یک حزب و گرهمایی آزاد که شامل همه افراد آزاده، صرف نظر از عقاید و عقایدشان می‌شود است. او از حمایت سایرین با گرایش‌های مختلف سیاسی و همدردی مادران زندانیان، مجروحان و شهدا برخوردار شد.



شهادت درصد بالایی
از آرای رای دهندگان
را به خود اختصاص
داد اما اجازه
ورود به مجلس
قانون‌گذاری را به
وی ندادند. از آن
طرف اسرائیلی‌ها
تعقیب او را تشدید
کردند تا این که
نیروهای ویژه
اسرائیل عاطف
الکامل دست راست
او را که برای معالجه
به کلینیک رفته بود
دستگیر کردند



محمد شحاده
و زندانی محمد عبدا